

گونزالو لیرا، نویسنده، فیلمساز و خبرنگار مستقل شیلیایی آمریکایی که از پیش از آغاز رویارویی نظامی روسیه و ناتو در اوکراین ساکن این کشور بوده است، در ویدیویی که در صفحه خود در یوتیوب منتشر کرده به تحلیل تازه‌ترین پیامدهای این رویارویی در بازار جهانی نفت و احتمال حمله نظامی ایران به عربستان می‌پردازد. چکیده‌ای از صحبت‌های گونزالو لیرا را در این باره در سطرهای پایین بخوانید.¹

آیا رویارویی نظامی ایران و عربستان قریب‌الوقوع است؟

گونزالو لیرا

پیش از آن که یکراست سراغ اصل مطلب برویم باید چهار اصطلاح مهم را تعریف کنیم: (1) **مونوپولی** یا حق انحصاری فروش؛ (2) **آلیگاپولی** یا اتحادیه انحصاری فروشندگان؛ (3) **مونوپسونی** یا حق انحصاری خرید؛ و (4) **آلیگاپسونی** یا اتحادیه انحصاری خریداران.

واژه **مونوپولی** برای همه ما آشناست. مونوپولی وقتی رخ می‌دهد که برای یک کالا یا خدمت فقط یک فروشنده در بازار داشته باشیم. مثلاً، حق انحصاری تولید و فروش سیستم‌عامل ویندوز در انحصار شرکت مایکروسافت است. یعنی، جز مایکروسافت هیچ فروشنده دیگری سیستم‌عامل ویندوز نمی‌فروشد.

آلیگاپولی وقتی رخ می‌دهد که برای یک کالا یا خدمت فقط چند فروشنده معدود در بازار داشته باشیم. فروشندگان عضو یک آلیگاپولی گرد هم می‌آیند تا قیمت فروش یک کالا یا خدمت خاص را تنظیم کنند. مثل آنچه در اتحادیه کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت، موسوم به اوپک رخ می‌دهد. پیش از تشکیل اوپک، کشورهای کنونی عضو این سازمان مثل ایران، عربستان، کویت و ... در بازار جهانی فروش نفت رقابت می‌کردند. و این رقابت، با افزایش عرضه، قیمت جهانی نفت را کاهش می‌داد. برای کاستن از مضرات همین رقابت بود که کشورهای عمده صادرکننده نفت، با تشکیل سازمانی مشترک برای کنترل میزان عرضه، فروش نفت را میان خود سهمیه‌بندی کردند. پس آلیگاپولی در اصل به معنی دور زدن سازوکار قیمت‌گذاری در بازار است. با این راه‌حل، کشورهای عضو اوپک توانستند با تثبیت قیمت جهانی و حذف رقابت میان فروشندگان، همه هم‌زمان سود قابل‌ملاحظه‌ای از فروش نفت کسب کنند و اصطلاحاً یک اتحادیه انحصاری از فروشندگان تشکیل دادند. واضح است که در چنین اتحادیه‌ای هیچ یک از اعضا نه می‌تواند بیش از مقدار از پیش تعیین‌شده تولید کند و نه می‌تواند محصول خود را به زیر قیمت توافقی مصوب بفروشد. تخطی یکی از اعضا از قواعد این انحصار می‌تواند به بهای زیان همه اعضای دیگر تمام شود.

مونوپسونی وقتی رخ می‌دهد که در بازار فقط یک خریدار برای یک کالا داشته باشیم. در ایالات متحده آمریکا بی‌شمار تولیدکننده سلاح داریم اما حق انحصاری خرید سلاح تنها در اختیار دولت است.

¹ <https://www.youtube.com/watch?v=phs4eeQSCCE&t=616s>

و **الیگاپسونی** وقتی رخ می‌دهد که خریداران عمده یک کالا با تشکیل اتحادیه‌ای انحصاری قیمت را در محدوده مطلوب خود تنظیم کنند. پس الیگاپسونی آن روی سکه الیگاپلی است.

حال دانستن همه این جزئیات خسته‌کننده به چه درد می‌خورد؟

اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها یا کشورهای موسوم به G7 (کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و آمریکا) سخت در تکاپوی تعیین سقف برای قیمت نفت و گاز روسیه‌اند. چون چیزی که حسابی کک به تنبان‌شان افکنده و خوابشان را آشفته این است که روسیه، در پی تحریم‌های نفتی و گازی اروپا، گرچه امروز به مراتب کمتر از پیش از آغاز جنگ اوکراین نفت می‌فروشد، درآمد به مراتب بالاتری از فروش نفت خود کسب می‌کند. این یعنی تحریم‌ها فقط روسیه را ثروتمندتر و رهبران غربی را چنان کفری کرده‌اند که جنت یلن، رییس خزانه‌داری آمریکا، عصبانی از اینکه «چطور پوتلر همیشه برنده است»، این طرح را پیشنهاد کرده که برای واردات نفت از روسیه (و فقط و فقط از روسیه) باید سقف قیمت تعیین شود. قصد کشورهای G7 این است که قیمت نفت روسیه را به قیمت پیش از آغاز جنگ، چیزی حدود شصت و چند دلار به‌ازای هر بشکه برگردانند و مانع از سرازیر شدن بیشتر سود سرشاری شوند که طی نه ماه گذشته به خزانه روسیه رفته است. یعنی، کشورهای G7 می‌خواهند یک الیگاپسونی برای خرید نفت تشکیل دهند. اما قضیه به همین راحتی که گمان می‌کنند نیست. چرا؟

کشورهای G7 هنوز گستاخانه گمان می‌کنند تنها مردم متمدن روی زمین‌اند و مابقی کشورها در مقایسه با آنها صرفاً مشتی وحشی‌اند. اما واقعیت این است که امروزه کشورهای زیادی نه تنها برای توسعه صنعتی خود به نفت نیاز دارند، بلکه انواع امکانات و پول کافی برای خریدن آن را هم در اختیار دارند. بنابراین، برخلاف آنچه کشورهای G7 درباره خود تصور می‌کنند، در واقع این کشورها خریداران عمده و اصلی نفت در بازار جهانی نیستند. چین، هند و برزیل امروزه از جمله کشورهای عمده واردکننده نفت‌اند. برای مثال، هند از آغاز جنگ اوکراین واردات نفت خود از روسیه را پنج‌برابر کرده است. در مدت مشابه، چین دیگر واردکننده بزرگ نفت روسیه بوده است تا مخالفت خود را با اعمال تحریم‌ها علیه روسیه نشان دهد. پس به نظر می‌رسد همه چیز برای روسیه خوب است. و این تنها گستاخی کشورهای اروپایی و آمریکایی است که آنها را به این صرافت انداخته که قادرند اتحادیه‌ای انحصاری از خریداران نفت تشکیل دهند و بدین‌وسیله قیمت بازار را مهار کنند. سهم اروپا از صادرات نفت روسیه حتی قبل از آغاز جنگ هم آنها را قادر به تشکیل یک الیگاپسونی نمی‌کرد. حالا، اروپا جدا از اینکه به علت تحریم‌های اعمالی بر روسیه در حال «صنعتی‌زدایی»، یا به عبارت ساده‌تر رو به ورشکستگی است، مجبور است سهم پیوسته در حال تقلیلش از نفت و گاز روسیه را از واسطه‌های چینی و هندی به قیمتی حتی بالاتر از قیمت کنونی بازار بخرد. چرا که مجموعه قوانین تازه‌ای که کشورهای اروپایی برای واردات از روسیه وضع کرده‌اند مانع از خرید و انتقال مستقیم نفت با کشتی به اروپا می‌شود. این بار هم چون گذشته، این فقط خود اروپاست که از اقداماتش زیان می‌بیند. و این را جز شکستی مضاعف نمی‌توان نامید.

مانع بزرگ دیگر در راه تحقق ایده اتحادیه انحصاری خریداران نفت، اوپک و به‌ویژه عربستان سعودی است. سعودی‌ها با غرب برای اجرای این برنامه همراهی نخواهند کرد، چون می‌دانند در این صورت، قربانی بعدی این انحصار خودشان خواهند

بود. پس بازی برای آنها روشن است و به دامش نخواهند افتاد. نتیجه ناخواسته آغاز این بازی برای اروپا و آمریکا نزدیک تر شدن عربستان و دیگر اعضای اوپک به روسیه خواهد بود. عربستان سعودی و امارات تا همین حالا هم خواسته آشکار آمریکا برای افزایش عرضه نفت را بی پاسخ گذاشته‌اند. اتحادیه اوپک پلاس (متشکل از کشورهای اوپک به علاوه روسیه) در آخرین نشست خود حتی رأی به کاهش عرضه دو میلیون بشکه‌ای روزانه نفت داد. اتفاقی که خشم دموکرات‌ها و دولت بایدن را برانگیخت. خشمی که پیش‌تر همچنین متوجه هند شده بود: کشوری که با ابراز مخالفتش با اعمال تحریم‌ها علیه روسیه به شرکای دیرینه غربی که رویش حساب کرده بودند پشت کرد و خرید نفت روسیه با تخفیف زیاد را فرصتی مغتنم شمرد.

واقعیت این است که نفت روسیه مخدري است که کل کشورهای منطقه به آن اعتیاد دارند. نیازی به تبلیغ ندارد. کفایت در فرصت مناسب در گوشه‌وکناری سروکله‌ات پیدا شود تا خریداران یکی یکی از راه برسند.

اما سرنوشتی وخیم در انتظار اروپاست. حالا با مشخص شدن نتایج تحقیقات سوئد و دانمارک درباره علت انفجار خط لوله‌های انتقال گاز روسیه به اروپا (نورد استریم یک و دو) و افشای اسنادی که حکایت از دخالت مستقیم دولت‌های انگلستان و آمریکا در این خرابکاری بی سابقه دارند، آمریکا درصدد اقناع اروپا به واردات گاز مایع خود با قیمتی پنج برابر گاز طبیعی ارزان روسیه است. و این یعنی نتیجه همراهی راهبردی با آمریکا برای اروپا در آینده چیزی نخواهد بود جز صنعتی‌زدایی بیشتر.

در این میان، حکایت احتمال روباوویی نظامی ایران و عربستان به یکی از تیت‌های اصلی رسانه‌های بزرگ اروپایی و آمریکایی، رسانه‌های به اصطلاح گلوبالیست نزدیک به دموکرات‌ها در آمریکا و سوسیال دموکرات‌ها در اروپا بدل شده است. محمد بن سلمان در تماسی تلفنی جو بایدن را از احتمال حمله نظامی ایران به مواضع خود آگاه کرده، و دولت بایدن با وجود تلخکامی اخیر بر سر عرضه نفت، به متحد خود اطمینان داده که فارغ از هر مسئله‌ای، در مقابل خطر تهدید نظامی ایران در کنار عربستان خواهد ایستاد.

اما، علت این هیاهوی رسانه‌ای چیست؟ به گمان من، کل این هیاهو و اعلام حمایت نظامی آمریکا از عربستان فقط می‌تواند یک دلیل داشته باشد. دولت بایدن، بدگمان نسبت به آینده بهبود روابط با متحد کنونی خود، و هراسان از نزدیکی عربستان به بلوک در حال شکل‌گیری چین و روسیه، علم کردن مترسک تهدید ایران را بهترین فرصت برای دخالت در سیاست راهبردی آتی عربستان و اصطلاحاً تلاش برای رژیم‌چنج در این کشور می‌بیند. جناح دموکرات از آغاز دل خوشی از بن سلمان نداشته و ما پیش‌تر این را در طرح ادعاهای حقوق بشری‌اش برای تحت فشار گذاشتن عربستان در ماجرای قتل خاشقچی بیشتر دیده‌ایم. دولت بایدن منتظر فرصتی است تا با برکناری بن سلمان عمومی محافظه‌کار او را در مسند ولیعهدی بنشانند، کسی که فارغ از منافع راهبردی در حال تغییر عربستان، صرفاً حافظ منافع آمریکاست. قول حمایت نظامی دولت بایدن صرفاً فرصتی برای پیاده کردن سربازان بیشتر در خاک عربستان و تلاش برای برنامه‌ریزی کودتایی نظامی است.

رویارویی نظامی دول ایران و عربستان فارغ از لفاظی‌های خصمانه متقابل شان بر محور ایدئولوژیک تضاد دو گفتمان شیعی - سنی بسیار نامحتمل است، چرا که نقش بین‌المللی این دو کشور به‌عنوان شرکایی استراتژیک با منافع یکسان آنها را از این رویارویی بازمی‌دارد.